

## جایگاه علم و فناوری در توسعه استان

دکتر محمد صالح اولیاء

دانشیار دانشکده مهندسی صنایع دانشگاه یزد

منابع انسانی همواره بعنوان یکی از مزیت‌های نسبی استان در جهت رسیدن به اهداف توسعه محسوب می شده است. وضعیت مناسب آموزش و پرورش و راه یافتن درصد زیادی از فارغ التحصیلان دبیرستانها به تحصیلات دانشگاهی به همراه جایگاه قابل قبول دانشگاههای استان در سطح ملی به تنهایی حاکی از قابلیت‌های استانی در این زمینه می باشد. علاوه بر سهم فعالیت‌های اقتصادی که مستقیماً متکی بر نیروی انسانی بوده و عمدتاً در بخش خدمات قرار می گیرد، توسعه سایر بخش‌های اقتصادی یعنی صنعت و کشاورزی نیز کاملاً متأثر از توانمندی‌های منابع انسانی کارآفرین و متخصص بوده است. نمونه های این ادعا را می توان در فعالیت تعداد زیادی از پزشکان و مهندسين و سایر نیروهای تحصیلکرده در فعالیت‌های اقتصادی، صنعتی، کشاورزی و مسکن مشاهده نمود.

این تصور که حمایت از فعالیت‌های اقتصادی بدون توجه به عقبه آن یعنی نیروی انسانی می تواند به توسعه منجر شود یک اشتباه استراتژیک برای استان خواهد بود. این موضوع بخصوص از این جهت که رسیدن به یک اقتصاد دانایی-محور مستلزم بکارگیری نیروی انسانی متخصص است اهمیت بیشتری می یابد.

استان یزد یکی از معدود استانهای کشور است که می تواند پیشتاز حرکت به سمت اقتصاد دانایی-محور باشد. اگر این هدف در بین مسئولان و سیاستگذاران استان مورد توافق قرار دارد لازمست استراتژیهای متناسب با آن نیز در دستور کار قرار گیرد. یکی از این استراتژیها می تواند " تربیت، حفظ و جذب نیروی انسانی متخصص و نخبه در استان " باشد. در این میان " جذب نیروی انسانی " از اهمیت کلیدی برخوردار است. نظام آموزش و پرورش و دانشگاهها در بهترین وضعیت ممکن است فارغ التحصیلان توانمندی تربیت کنند اما عملاً بواسطه عدم وجود زمینه های جذب در استان رهسپار شهرهای بزرگتر یا خارج از کشور شوند و در اینصورت تأثیر بخش علمی در اقتصاد به حداقل ممکن محدود خواهد شد.

صنعت و کشاورزی در حال حاضر از ظرفیت کمی برای استفاده از متخصصان برجسته برخوردار است و ظرفیت دانشگاههای استان نیز برای جذب اعضای هیات علمی محدود است. بنابراین باید به فکر محدوده گسترده تری از فعالیت‌های اقتصادی باشیم که ظرفیت جذب نیروهای نخبه را داشته باشد. برای پرهیز از کلی گویی، این فعالیتها باید دارای دو خصوصیت عمده باشد:

۱- دارای توجه اقتصادی بوده و بازار مناسبی برای آن وجود داشته باشد،

۲- مزیت رقابتی آن در استفاده از نیروهای انسانی متخصص و نه سرمایه یا مواد اولیه باشد.

نمونه های این گونه فعالیتها عبارتند از:

۱- مراکز تحقیقاتی دولتی و خصوصی

۲- مؤسسات توسعه / انتقال فناوری

۳- شرکتهای نرم افزاری

۴- شرکتهای خدمات مهندسی

۵- شرکتهای مشاور (مهندسی - غیر مهندسی)

۶- مؤسسات فرهنگی و هنری

با توجه به این که عمده فعالیت‌های مذکور در استان (و بلکه در کشور) هنوز مراحل طفولیت خود را می‌گذرانند، حمایت دولت از آنها بسیار تعیین کننده است. درحالی‌که فعالیت‌های اقتصادی سنتی در بخش‌های صنعت، کشاورزی، بازرگانی و خدمات مسیر خود را پیدا کرده و در بازار رقابتی می‌توانند کما بیش به حیات خود ادامه دهند، عدم حمایت از فعالیت‌های اقتصادی دانایی محور می‌تواند به کلی زمینه‌های رشد آنان را از بین برده و اثرات جبران ناپذیری بر روند توسعه استان داشته باشد. انتظار می‌رود تغییرات مدیریتی حاکم بر استان، اولویت‌های توسعه استان را تحت الشعاع خود قرار نداده و بلکه علیرغم تنوع نظرات و دیدگاهها، حول محورهای مورد توافق جمعی به حرکت خود ادامه دهد.

انشاء..